



حضوری:	ساعت برگزاری: ۱۰ صبح	نمره: ۱۴	ساعت پایتختی: ۶۰ دقیقه
غیرحضوری:	ساعت برگزاری: ۱۰ صبح	نمره: ۱۶	ساعت پایتختی: ۸۰ دقیقه

امتحانات متمرکز تکمیلی نیمسال دوم ۹۸-۱۳۹۷

رشته تفسیر، تاریخ، اخلاق، ادبیات عرب مر ۹۷

شماره یا نام مصحح اول	نمره بر عدد	نمره بر حروف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره بر عدد	نمره بر حروف

مهر مدرسه

کد امتحان :	۳۹۷۲/۱۲
تاریخ آزمون :	۱۳۹۸/۰۴/۰۲
عنوان:	اصول فقه ۲
کتاب:	اصول فقه مظفر - جلد ۱ و ۲
محدوده:	از ابتدای عام و خاص تا پایان مجمل و مبین

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد پستی: مدرسه علیه: شهرستان: استان:

۰/۵

۱- دلالت «وقوع النکرة فی سياق النفی» بر «عموم» از چه طریقی است؟ ص ۱۹۲

- الف. الطبع
 ب. العقل
 ج. الوضع
 د. الاطلاق

۰/۵

۲- مقدار لازم فحص از مخصص برای جواز عمل به عموم عام چه مقدار است؟ ص ۲۰۹

- الف. اطمینان به عدم قرینه
 ب. ظن به عدم قرینه
 ج. قطع به عدم قرینه
 د. عدم ظن به قرینه

۰/۵

۳- تعریف مجمل نزد علماء اصول کدام گزینه است؟ ص ۲۴۸

- الف. لفظ مفرد لا ظاهر له
 ب. ما لا يفهم منه شيئاً
 ج. ما لم تتضح دلالتة
 د. ما لم تتضح معناه

۰/۵

۴- مراد از «لا» در «لارهبانية فی الاسلام» چیست؟ ص ۲۵۴

- الف. عدم المشروعية
 ب. عدم التحقق حقيقة
 ج. عدم الاثر المطلوب
 د. عدم الوجود

۵- با توجه به عبارت: «ان انطباق عنوان العام على المصداق معلوم ... و اما انطباق عنوان الخاص عليه غير معلوم فلا يكون الخاص حجة فيه فلا يزاحم حجة العام» نظر قائلین به جواز تمسک به عام در شبهات مصداقيه و نظر مرحوم مظفر را درباره آن با دلیل تبیین نمایید. ص ۲۰۳

۲

جواب: دلیل قائلین به جواز تمسک به عام در شبهات مصداقيه: در شبهات مصداقيه مخصص، می دانیم عنوان عام بر فرد مردد انطباق دارد در نتیجه عام حجت است و حکم عام در مصداق نیز جاری است ولی انطباق عنوان خاص بر مصداق مردد غیر معلوم است در نتیجه خاص در مصداق مردد حجت نیست و نمی تواند مانع حجیت عام شود [مانند مخصص منفصل در شبهات مفهومیه دائر بین اقل و اکثر] نظر مرحوم مظفر: به دلیل اینکه حجیت مخصص اقوی از عام است، موجب رفع حجیت از برخی از افراد عام شده و حکم عام منحصر در باقی افراد آن می باشد و فرد مشکوک، مردد است بین داخل شدن در مواردی که عام حجت است یا خارج شدن از عام در مواردی که حجت نیست پس اینگونه نیست که حجیت عام بلا مزاحم باشد به عبارتی اگر چه انطباق عام بر فرد مشکوک معلوم است ولیکن انطباق عام بما هو حجة معلوم نیست.

۲

۶- در مسأله تخصیص عام قرآنی به وسیلهی خبر واحد (که حجت است) پاسخ دهید. ص ۲۱۷
 الف) این مسأله در واقع به تقابل دو ظن معتبر (که ناشی از دو اصل هستند) بر می گردد. آن دو ظن را بیان نمایید.

جواب: ۱. [اصل آن است که راوی دروغ نمی‌گوید و] ظن به صدق راوی داریم [لذا حدیث از امام صادر شده است]. ۲. [به خاطر اصالة العموم] آیه ظهور در عموم دارد.

ب) به نظر مصنف کدام يك از آن دو ظن، مقدم است؟ چرا؟

جواب: به نظر مصنف باید [تصرف در اصالة العموم کرد و] از ظهور آیه در عموم دست برداشته و خبر را بر آن مقدم کنیم؛ زیرا خبر خاص، قریب است بر مراد واقعی متکلم. [اشاره به جواب با هر تعبیری کفایت می‌کند.]

۷- به نظر مرحوم مظفر چرا برخی در صورت: «اذا كان العام و الخاص معلومی التاريخ مع تقدم العام و كان ورود الخاص بعد

وقت العمل بالعام» قائل به وجوب نسخ و برخی قائل به جواز تخصیص شده‌اند؟ ص ۲۱۹

جواب: دلیل قائلین به وجوب نسخ: در صورتی که عامی وارد شده و خاص بعد از وقت عمل به عام صادر شده است، در این صورت اگر عام را تخصیص بزند از باب تأخیر بیان از وقت حاجت است که برای حکیم قبیح است و موجب ضایع شدن احکام می‌گردد پس واجب است ناسخ باشد، [در صورتی که ثابت شود شارع در صدور بیان احکام واقعیه است شکی نیست که خاص ناسخ است]. دلیل قائلین به جواز نسخ: جایز است عام به دلیل مصلحت مثل تقیه یا مصلحت تدرج احکام صادر شده و حکم واقعی (خاص) کتمان شود و وقتی خاص صادر می‌شود عام را تخصیص می‌زند و در این صورت خاص مخصّص بوده و کاشف از واقع است.

۸- اشکال مصنف^(۵) بر هر یک از دو نظریه‌ای که موضوع له اسم جنس را «الماهیة من حیث هی» یا «الماهیة المعتبرة بالابشرط

المقسمی» می‌دانند، تبیین نمایید. ص ۲۳۶-۲۳۵

جواب: ۱. اشکال بر نظریه اول: وضع حکمی است که در آن ماهیت با خارج از ذات و ذاتیاتش سنجیده می‌شود پس لحاظ ماهیت فقط به اعتبار ذات و ذاتیاتش - که در این قول آمده است - با وضع که لازمه‌اش لحاظ ماهیت با خارج از ذات و ذاتیات است، سازگار نیست. (۱ نمره) ۲. اشکال بر نظریه دوم: ماهیت به اعتبار لا بشرط مقسمی هیچ وجود مستقلی از اقسامش ندارد پس لحاظ ماهیت به این اعتبار معقول نیست بلکه ماهیت به اعتبار یکی از آن اقسام [یعنی بشرط شیء و بشرط لا و لا بشرط قسمی] باید در نظر گرفته شود تا بتوان بر آن حکم کرد. (۱ نمره) (رساندن مفهوم کافی است.)

۹- نظر مصنف^(۵) در مورد مانعیت «قدر متیقن در مقام تخاطب» و «انصراف» از انعقاد اطلاق، را تبیین نمایید. ص ۲۴۳-۲۴۰

جواب: ۱) مانعیت قدر متیقن: اگر قدر متیقنی در مقام تخاطب و محاوره باشد [نه قدر متیقن در وجود خارجی] ولی با این حال مولی کلامش را مطلق بیاورد، کلام او ظهور در اطلاق پیدا نمی‌کند و وجود قدر متیقن مانع انعقاد اطلاق است زیرا او برای رسیدن به غرضش به همین قدر متیقن اکتفا کرده است. (۱ نمره) ۲) مانعیت انصراف: اگر کثرت استعمال لفظ در یک معنا باعث شود که استعمال آن لفظ منصرف به آن معنا و مصداق باشد، این انصراف مانع انعقاد اطلاق برای آن لفظ است و کلام هیچ ظهوری در اطلاق پیدا نمی‌کند. (۱ نمره)

۱۰ - اجمال فعل معصوم را همراه با ذکر مثال توضیح دهید. ص ۲۴۸

جواب: اجمال در فعل به این معنی است که ندانیم چرا فعل از شخص صادر شده است؛ (۵/۰ نمره) مثلاً امام (علیه السلام) در حضور شخصی که از او تقیه می‌کند یا احتمال تقیه را می‌دهیم وضو بگیرد؛ که در این صورت احتمال می‌دهیم وضوی امام تقیه‌ای باشد لذا مشروعیت وضو به آن کیفیتی که انجام داده است کشف نمی‌شود (۷۵/۰ نمره) و نیز احتمال دارد وضو به عنوان امثال امر واقعی باشد نه تقیه‌ای؛ لذا مشروعیت وضو با آن کیفیت کشف می‌شود. (۷۵/۰ نمره) (مثال‌های دیگری نیز در کتاب ذکر شده است.)

که سؤال زیر مختص طلاب غیر حضوری می‌باشد:

۱۱- مثالی برای شبهه مفهومیه مخصّص دائر بین متباینین در صورتیکه منفصل باشد، بیان کرده، حکم آن را همراه دلیل تبیین نمایید.

ص ۲۰۱

جواب: عام: «اکرم اهل البلد» و خاص منفصل: «لا تکرّم خالد منهم» در مراد خاص شک داریم که آیا خالد بن بکر است یا خالد بن سعد؟ در این صورت اجمال خاص به عام سرایت می‌کند زیرا مفروض حصول علم اجمالی به اصل تخصیص است هر چند مردد بین دو چیز است پس عام از حجیت در هر دو آنها ساقط می‌شود [نمی‌توان اصالة العموم را برای یکی جاری و برای دیگری جاری نمود (ترجیح بلا مرجّح است) و برای هر دو نیز نمی‌توان جاری نمود زیرا با توجه به علم اجمالی تعارض و تساقط می‌کنند و البته حق این است که علم اجمالی مانع جریان اصول از ابتدا می‌شود]

«سامانه پیام کوتاه ۰۵۰۰۱۷۱۷۲۱۴۴۳۱ معاونت آموزش آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات پیرامون سؤالات امتحانی می‌باشد.»

«در صورت ارسال پیام کوتاه، ذکر کد امتحان و شماره سؤال به صورت دقیق جهت امکان بررسی و جوابگویی ضروری می‌باشد.»